

## «سنت استخفاف»



- \* از مهمترین مکانیزم ابله سازی، سنت استخفاف است.
- \* ماده اساسی آن، بیگانگی از ایمان و لوازم و آثار آن، اعتقاد به عدم لیاقت خود.
- \* درخت ذات انواع و تقاضای بعضی از صحابه.
- \* تصریح رسول الله «ص» به سنن اجتماعی.
- \* نقل عبارتی از سفر خروج تورات.
- \* کاپیتولاسیون، منحوس ترین شکل استخفاف در عصر اخیر.
- \* اشاره به معاهده ترکمن چای و بیش از یک قرن هرج و مرج در ایران.
- \* کاپیتولاسیون جدید بدست آمریکا و تجلی ایمان کفرسوز.
- \* حدیث لطیف رسول خدا «ص» درباره بانگ خروس با دیدن فرشته و عرعر الاغ با دیدن شیطان.
- \* تشخیص مردم ما بین تکبیر و عرعر الاغ.

### استعمارگران و استفاده از مکانیسم استخفاف

تاریخ گسواد است که در همه اعصار، طاغوتها و استعمارگران، با مکانیزم استخفاف ملت‌های تحت سلطه اولاً از طریق اعمال خشونت و منزل ساختن آنان از اطلاع بر حقایق امور، از مزایای انسانی و فضائل فطری، وجودشان را تخلیه می‌کنند و ثانیاً با القات حساب شده شیطانی اعتقاد بعدم کفایت و کاردانی را در نفوسشان بگونه طبع ثانی تثبیت می‌نمایند، و مقبولیت و محبوبیت آنها را فقط در خدمت و اطاعت بی شرط و قید برایشان خلق را مسخ می‌سازند، و حتی گاهی آن‌چنان بیمایگی و ابله‌ی را با سرشتشان عجین می‌کنند که در مقابل اجسام بیجان و مجسمه‌های حیوان عاکف و ساجد می‌شوند، و رهبران الهی و زعماء اصلاح دینی از نجات این استخفاف شدگان در اسف شدید و احیاناً ناتوان می‌گردند. در سیره ابن هشام از ابی واحد لیشی نقل می‌کند که حارث بن مالک گفت:

«خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الى حنين و نحن حديثو عهد بالجاهلية قال: فمرنا معه الى حنين قال وكان لكتفار قریش ومن سواهم من العرب لهم شجرة خضراء يقال لها ذات

در مقالة قبل به مناسبتی از ابله سازی سخن میان آمد، و بعضی از اعمال آن اجمالاً اشاره شد اما لازم می‌بینم که در این باره بیشتر بحث کنیم زیرا مکانیزم ابله سازی اجتماعی دارای سیستمهای مختلف است و بنظر می‌آید از مهمترین آنها «سنت استخفاف» می‌باشد که مورد عنایت قرآن مجید واقع شده است.

«فاسْتَخَفَّتْ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» زعفران آیه ۵۴: «فرعون در قوم خویش فرومایگی و خفت را نقش و طبع نمود، در نتیجه آنان مطیع بلاقید او شدند و انطباق نقش استخفاف بدینجهت بوده که آن قوم بر صراط مستقیم استوار نبوده و از ایمان تهی بوده‌اند و بیک کلام ابتلای باین بیماری خفت و بیمایگی معلول فسقشان بوده است».

آیه شریفه دلالت روشن دارد براینکه ملت مبتلای باین سنت، سنگینی و وزانت انسانی را از دست می‌دهد و بعدم لیاقت و کفایت خویش در تدبیر امور معتقد می‌گردد، و احیاناً کفایت و لیاقت در تدبیر امور را برای خود محال می‌پندارد، و زندگی در سایه مالک رقاب و ارباب را ضروری می‌داند و طبعاً چنین ملتی همچون پری در بیابانی بدست صرصری، بازیچه دست طاغیان و استعمارگران می‌گردد و می‌کشاندش بهرجائی که خاطر خواه آنان است.

أَنْوَاطِ يَأْتُونَهَا كُلَّ سَنَةٍ فَيَعْلَقُونَ اسلِحَتَهُمْ عَلَيْهَا وَيَذْبَحُونَ عِنْدَهَا وَيَعْكُفُونَ عَلَيْهَا يَوْمًا، قَالَ: فَرَأَيْنَا وَنَحْنُ نَسِيرُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَسَلَّمَ يَذْرُؤُ خَضْرَاءَ عَظِيمَةً، قَالَ: فَتَنَادَيْنَا مِنْ جَنَابِ الطَّرِيقِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اجْعَلْ لَنَا ذَاتَ أَنْوَاطٍ كَمَا لَهُمْ ذَاتَ أَنْوَاطٍ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَسَلَّمَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، فَلَقِمْتُ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، كَمَا قَالَ قَوْمُ مُوسَى لِمُوسَى: «اجْعَلْ لَنَا آلِهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»، قَالَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ «أَلَيْهَا السُّنَنُ لَتَرْكَبُنَّ مَنَنِ مِنْ كَانَتْ فَبِكَلِمَةٍ» (ج ۲ ص ۱۱۲):

### تشابه سنن در اعصار متوالی

«برای جنگ حنین همراه رسول الله صلی الله علیه وآله - در سال هشتم هجرت - بیرون رفتیم و با آن حضرت سیر می نمودیم برای کفار قریش و اعراب جاهلیت، درخت سرسبزی بوده که بآن «ذات آنواط» یعنی صاحب آو یخته شده ها می گفتند که هر سال یک بار دور آن جمع می شدند و اسلحه خود را بر آن می آویختند و در پایش قربانی ها نموده و یک روز عبادتش اعتکاف می کردند، پس دیدگان ما، در حالی که همراه رسول الله صلی الله علیه وآله می رفتیم، بدرخت سدره سرسبز بزرگی افتاد، ناگهان همگی همتوا و همصدآ از اطراف جاده ندا و بانگ برآورده عرض کردیم: یا رسول الله، برای ما ذات آنواطی قرار ده، چنانکه برای کفار ذات آنواط است. پیمبر گرامی صلی الله علیه وآله با شگفتی فرمودند: الله اکبر، سوگند بخداوندی که جاتم در قبضه او است گفتید آنچنانکه قوم موسی بموسی گفتند: «از برای ما معبودی قرار ده چنانکه آنان معبودهایی دارند موسی فرمود همانا شما قومی نادان هستید». آنگاه پیمبر گرامی صلی الله علیه وآله فرمود: اینها سنن الهی در اجتماع است، حتماً شما بر ستنهای پیشین سوار می شوید» آغاز آیه مر بوط بقوم موسی علیه السلام مورد استشهاد رسول الله صلی الله علیه وآله در باره تشابه سنن جاری در اعصار متوالی چنین است: «وجاوزنا بنی اسرائیل البحر فأتوا علی قوم یعکفون علی اصنام لهم قالوا یا موسی...» (ابراهیم ۱۳۷).

یعنی «ما بنی اسرائیل را با شکافتن دریا از دریا عبور دادیم پس از عبور و گذشتن از دریا در اثناء طی طریق بقومی برخوردند که مشتاقانه پیرستش بتهائی ملازمت داشتند، چون بنی اسرائیل آن منظره را دیدند بی تابانه گفتند: ای موسی از برای ما...».

آنهمه معجزات و کرامات تردید ناپذیر که در طول مبارزه موسی علیه السلام با فرعون، مشهود آنان بوده و آنهمه امدادهای غیبی را لمس کرده بودند و بعد از خروج از مصر آنهمه عنایات خداوند متعال بر آنها احاطه کرده: چنانکه در سفر خروج تورات آمده است: «عنایت خداوند متعال در روز پیش روی قوم در ستونی ابر می رفت تا راه را بایشان دلالت کند و شبانگاه در ستون آتش تا ایشان را روشنائی بخشد و روز و شب راه

روند. و ستون ابر را در روز و ستون آتش را در شب از پیش روی قوم برداشت... و خداوند دل فرعون پادشاه مصر را سخت ساخت تا بنی اسرائیل را تعاقب کرد و بنی اسرائیل بدست بلند بیرون رفتند، و مصریان با تمامی اسبان و عرابهای فرعون و سوارانش و لشگرش در عقب ایشان تاختند بدیشان در رسیدند... و چون فرعون نزدیکشد بنی اسرائیل چشمان خود را بالا کرده دیدند که اینک مصریان از عقب ایشان می آیند پس بنی اسرائیل سخت بترسیدند و نزد خداوند فریاد برآوردند و بموسی گفتند: آیا در مصر قبرها نبود که ما را برداشته ای تا در صحرا بمیریم! این چیست بما کردی که ما را از مصر بیرون آوردی؟ آیا این آن سخن نیست که بتو در مصر گفتیم که ما را بگذار تا مصریان را خدمت کنسیم زیرا که ما را خدمت مصریان بهتر است از مردن در صحرا؟ موسی بقوم گفت: مترسید، بایستید و نجات خداوند را ببینید که امروز آن را خواهد کرد زیرا مصریان را که امروز دیدید تا به ابد دیگر نخواهید دید... و فرشته خدا که پیش آردوی اسرائیل می رفت حرکت کرد. از عقب ایشان خرامید و ستون ابراز پیش ایشان نقل کرده در عقب ایشان بایستاد، از برای مصریان ابر و تاریکی می بود، ولی اینها را در شب روشنائی می داد... و خداوند اسرائیل را از دست مصریان خلاصی داد و اسرائیل مصریان را بکنار دریا مرده دیدند» (خلاصه ترجمه باب ۱۱ و ۱۳ سفر خروج).

اقا همه اینها، دریغا که سبب نجات اکثر این قوم استخفاف شده و استضعاف گردیده از حماقت عربشان نگردید، و با مختصر تداعی، ثمرات ابلهی را بار آوردند، و بی شرمانه معلم توحید را دستور دادند: «اجعل لنا الهاً» وسیله شرک برایشان فراهم آورد!

سنت استخفاف در ادوار تاریخ بشکلهای مختلف متناسب با هر دوری، بلای جان ملت‌های تحت سلطه بوده و ظاهراً منحوس ترین شکل آن در عصر اخیر «کاپیتولاسیون» است که همچون سرطان در همه شئون ملت مبتلای بآن چنگ می اندازد و حاکمیت صاحب سلطه را در همه ابعاد و سطوح گسترش داده و تحکیم می بخشد، بلکه در حقیقت صاحب این امتیاز حاکم بمعنی واقعی بر کشور و ملت امتیاز دهنده است.

### کاپیتولاسیون چیست؟

کاپیتولاسیون یعنی قضاوت کنسولی که اتباع کشور صاحب این امتیاز را از مشمول قوانین جزائی و مدنی استثناء می کند و نخستین اثرش بی اعتبار نمودن مکانیزم قضائی کشور امتیاز دهنده

است خصوصاً قوانین کیفری که اجراء آن شاخصه حاکمیت است و در پرتو این امتیاز و استخفاف، هرشارلاتان متجاوز داخلی و خارجی می تواند صدها جنایت و خیانت بملت امتیاز دهنده کند و خود را تحت حمایت صاحب امتیاز قرار دهد، و روشن است که پی آمد آن چه خواهد بود.

در معاهده ترکمن چای که در سال ۱۲۰۳ شمسی با امضاء عباس میرزا و ژان پاسکیدو بیج فرمانده سپاه روس رسیده می خوانیم:

«... اختلافات و مراقباتی که ما بین اتباع ایران و اتباع روسیه ظهور می رسد مراجعه بمحاکم ایران شده رسیدگی و صدور حکم آن باید در حضور مترجم سفارت یا کنسولگری بعمل آید... هرگاه شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم بجرمی گردد، مورد هیچ تعرض و مزاحمت واقع نخواهد گردید مگر در صورتی که شرکت او در جرم مدلل و ثابت شود و در اینصورت و نیز در صورتی که تبعه روس بشخصه بجرم متهم شود، محاکم مملکتی نباید بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا کنسولگری، بجرم مزبور رسیدگی و حکم دهند... پس از اینکه گناه حقه تقصیر شخص مجرم ثبوت رسیده و حکم صادر شد مشارالیه بوزیر مختار یا کاردار یا کنسول روس تسلیم خواهد شد که بروسیه فرستاده شود و در آنجا موافق قوانین سیاست شود».

### امتیاز کاپیتولاسیون آمریکائی در ایران

طولی نپائید که بدنبال این معاهده خفت بار، اسپانیا، اطریش، بلژیک، فرانسه، انگلیس، آلمان و تعداد دیگری از دولتهای سلطه جو، قضاوت کنسولی خودشان را بر مراجع سیاسی و قضائی ایران تحمیل نمودند و رجاله های رجال نمای این مملکت ستم دیده بودند که در پناه این سنگرها چه ها که انجام ندادند؟! و ارتکاب خلاف قوانین و بست نشستن در سفارتخانه های بیگانگان چه بیدادها که نکرد؟! و بیش از یک قرن حاکمیت ایران در هرج و مرج قرار گرفت که وارث حرامزاده استعمار، شیطان بزرگ، امریکای دشمن بشر در آخرهای امتداد استخفاف آنچه همه کردند او بتهنائی مضاعف آن ها را انجام داد و برای بقای خود در منطقه خلیج، فرومایه ای چون شاه را با ایادیش ژاندارم منطقه گردانید. و چون از نیروی مذهبی و معنوی بزرگترین خطر را برای خود احساس می کرد در صدد فنای این نیروی الهی بدست شاه و عمالش برآمده و برای

فریب دادن مردم دهقان و کارگر، عناوین اصلاحات ارضی و الغای رژیم ارباب و رعیتی و سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها را از حلقوم گوساله ای که خود ساخته بود ندا و خوار کرد و بآن هم بسنده نکرد بلکه در سال ۱۳۴۳ دست بگرفتن امتیاز کاپیتولاسیون جدید زد و قانونی از مجلس گذراند که نمایندگان از آن بی خبر و مع الوصف تصویب کردند تا چهل هزار مستشاران نظامی و تکنسین های وابسته و اعضاء خانواده و خدمه آنها اعم از نظامی و میویل از شمول قوانین قضائی ایران معاف شوند که پایین ننگ و استخفاف حتی کشورهای نیمه مستعمره آفریقا هم تن در نمی دادند.

چنانکه در آغاز این بحث گفتیم طاغوت ها در طول تاریخ هیچگاه توان اعمال چنین استخفافی را بملت ها نداشتند مگر بعد از گرفتن معیار صحیح انسانی و میزان ایمانی از کف آنان، و جانشین ساختن موازین شیطانی بجای میزان ایمانی و انسانی که قرآن بر آن دلالت روشن داشت. این استخفاف و تحقیر بر ملت ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده اگرچه در طول سالهای بهره کشی استعمار، روحانیون عظام، ابناء الله تعالی و خلفاء رسول الله اعلی الله تعالی کلمتهم در مبارزه بودند و برای بیداری ملت اسلام و بازگشتشان بمیزان قرآن و شریعت، دشواریهای طاقت فرسایی را متحمل شدند و قربانی ها دادند و هزارها نقد بیازار کائنات آوردند و شکرالله تعالی مساعیم الجمیله. اما سگه صاحب عبار ما حضرت امام خمینی مدظله با منت مخصوصی که خداوند متان بر او نهاد فوق العادگی داشته و این بقیه سلف صالح و مفخر و فرة عبون روحانیین، آرمان و ائمه مشتاقان حق را تحقق بخشید و فطری از جهان اسلام را بیدار کرده و فتر عظیمی از مسلمین جهان را به «لَبَّ» شان یعنی قرآن و ایمان بازگشت داد و صیبت «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه» را نه در کشورهای اسلامی فقط که در کشور عماد کفر جهانی، شیطان بزرگ، بلند ساخت آن حضرت این رسالت الهی را با همیاری روحانیون عظام اولوالالباب زمان شناس و خصوصاً طلاب محترم جوان و همکاری دانشجویان بیدار و اساتید معظم و افاضت عزیز و بالاخص ربانیات این اامت بانجام رسانده با همکاری و همیاری همه در تنمیم و بسط آن کوشانید.

### تکبیر گویان عمر عزرازان را می شناسند

چنانکه ادراک طول و عرض این انقلاب مشکل است درک عمق برکاتی که این انقلاب بما ارزانی داشته است مشکلتر است. ما در حقیقت چه استخفافی بوده ایم و اکنون در اوج چه

آنچه در این مقاله ذکر کردیم، احکام اسلام و صریح آیات قرآن و مورد اتفاق علماء معروف اسلام است، ولی زمامداران نوکر مآب ممالک اسلامی وابسته به غرب و شرق، وقاحت و بی شرمی را به حدی رسانده اند که برای آنها ریگان هنر پیشه سابقه دار، بگین متخصص در جنایت، وزیر امور خارجه آمریکا و... احکام اسلام را تحلیل و استنباط می کنند، حتی سال گذشته بعد از آنکه در سرزمین وحی الهی و نزول قرآن (مکه و مدینه) حجاج اکثر ممالک اسلامی همصدا با حجاج حزب الله ایرانی، شعائر صور اسلام (اعلاء کلمه الله اکبر و جسم شرک و زندقه که هدف نهائی و تمام مقصود همه انبیاء بود) را با شعارهای «الله اکبر»، «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» تجدید و احیاء نمودند؛ ریگان اسلام شناس گفت: اسلام آن است که فهد (شاه سعودی) می گوید نه آن که آیت الله خمینی می گوید!!!

پناه مسلمین و مستضعفین جهان، حضرت امام خمینی مدظله العالی با یک جمله کوتاه و کوبنده (من نمی دانم اینها کی می خواهند عروه الوثقی را حاشیه بزنند؟) تحلیل گران و اسلام شناسان مزبور را رسوا نموده تا شیاطین اظهار نظر در احکام اسلام و سرنوشت مسلمین نکنند. خداوند سایه پر برکت حضرت امام را بر سر مسلمین و ملت های مستضعف مستدام بفرما.



عزتی هستیم از حساب عادی بیرون است. آنهائی که از اقامه شعائر الله به پخش اذان در رادیو قانع بودند و آنهائی که برای بقاء طاغوت در مسند سلطنت بدون حکومت!، و بقاء قوانین مشروطه دست و پا می زدند، که هم اکنون صلح جویند، درک عظمت این انقلاب و ثمراتش برایشان ممتنع است. عبدالله بن عمرها و ابوموسی اشعری ها را چه رسد که در مصالح عالی اسلام دخالت کنند مگر مسلمانان عزیز وصیت و سفارش رسول الله صلی الله علیه و له را فراموش کرده اند که فرمودند:

«اذا سمعتم صباح الديكة فسلوا الله تعالى من فضله فأثارات ملكاً واذا سمعتم نهيق الحمار فتمعدوا بالله من الشيطان فأثارات شيطاناً».

«وقتی که بانگ خروسها را شنیدید در همان هنگام از خداوند متعال فضل او را مسئلت کنید. زیرا خروس با دیدن فرشته شروع بیانگ و تکبیر کرده است، و وقتی که عرعرا الاغ را شنیدید پناه بخداوند متعال ببرید زیرا الاغ با دیدن شیطان عرعرا می کند» مردم ما تکبیرگوها و یادآوران حق تعالی را از عرعراها و اغفالگران خوب می شناسند.

فرم نقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک هفت پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت شعبه جدها شهاده قم وارز و قمش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر هفت پاسدار اسلام قم صندوق پستی ۳۳۰ ارسال فرمائید.

- تذکره: و مطالبات فرم کنید
- ۱- بهای اشتراک یک سال ۶۰۰ ریال، دو سال ۱۲۰۰ ریال است.
  - ۲- وجه اشتراک را می توانید از طریق تمام بانک های کشور به حساب جاری فوق واریز نمائید.
  - ۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته و وجه اشتراک را توسط اداره پست بیمه نمائید.
  - ۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را شرح زیر در نامه ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.
  - ۵- در صورت واریز وجه به بانک حتماً پیش بانکی ارسال شود.

اینجانب ..... نام خانوادگی .....  
 شهرستان ..... آدرس کامل .....

تاریخ ..... سال از شماره ..... پاسداری اسلام مشترک شروع لغت مبلغ ..... ریال توسط بانک ..... به حساب جاری فوق وارز و قمش بانکی % به پست ارسال می دارم.

لطفاً در موقع تمدید، شماره اشتراک را قید فرمائید